

افشاگری مهم عزت الله مطهری

انجمن حجتیه

با گام های خزانده امنیتی رسید به قبضه حاکمیت

عزت الله مطهری با لطف الله میثمی به مناسبت حوادث ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ (روز اعلام عملیات مسلحانه توسط مجاهدین خلق) مصاحبه ای خواندنی و پر اشاره کرده است. عزت الله مطهری از فعالان گروه های مذهبی در سال های منجر به حوادث ۱۵ خرداد و عضو گروه موثله آن زمان بود که بعدها در کنار کادرهای اولیه سازمان مجاهدین خلق قرار گرفت و سرانجام نیز سر از زندان های شاه در آورد. شرح این بخش از زندگی او را می توانید به همراه بقیه مصاحبه او با لطف الله میثمی را که در نشریه چشم انداز منتشر شده روی لینکی که در پایان این مطلب هست بخوانید.

آنچه در این مصاحبه بیش از همه مطالب مطرح شده در آن برای ما توده ای ها چشمگیر و پر ارزش بود، در کنار مطالب با ارزش دیگری که آقای مطهری عنوان کرده، اطلاعاتی است که او در باره نقش خزانده و امنیتی انجمن حجتیه از ابتدای پیروزی انقلاب ۵۷ مطرح می کند. یعنی همان نکته ای که در آن سال ها و حتی سال های پس از آن، حزب توده ایران و راه توده بیش از هر جریان سیاسی دیگری روی آن تاکید و خطر آن را گوشزد می کرد و می کند. از دل فاجعه ای که آقای مطهری به آن اشاره می کند، قتل عام زندانیان سیاسی بیرون آمد، قتل های رنجیره ای سر برکشید، مصباح یزدی ها میدان مانور یافتند، دهه خونین ۶۰ ترتیب داده شد، آیت الله منتظری تصفیه شد، سید مهدی هاشمی اعدام شد، ده ها ترور و انفجار برجسته ترین روحانیون طرفدار آیت الله خمینی را مانند دانه ای که مرغ از روی زمین برچیند آنها برچیدند و پس از ۲۸ سال، دولت احمدی نژاد را برسر کار آوردند و می روند تا مجلس حکومتی خبرگان را نیز قبضه کرده و ختم انقلاب ۵۷ را اعلام کنند. اظهارات و اطلاعات آقای مطهری دارای این اعتبار و ارزش تاریخی است و به همین دلیل آن را با تاکید بر ضرورت افشاگری بیشتر در باره این نوع ماجراهای ابتدای پیروزی انقلاب منتشر می کنیم.

آقای مطهری به لطف الله میثمی می گوید:

«... این پرونده ها در ساواک مرکزی و برخی در دادرسی ارتش بود. مطمئنم تا زمانی که من در کمیته بودم کسی پرونده های دادرسی ارتش را جابجا نکرد و بعد آقایانی از سپاه، از طریق شورای انقلاب و آیت الله خامنه ای برای آیت الله مهدوی کنی نامه آوردند. پرونده های دادرسی ارتش را به سپاه منتقل کردند، اما پرونده های ساواک را نبردند. متأسفانه اداره ساواک مرکزی و آن پرونده ها بدست **انجمن حجتیه** افتاد. زمانی که در کمیته بودیم، وقتی خلاصه پرونده ساواکی ها را می خواستیم به ما نمی دادند. دستگیری ساواکی ها توسط ما از طریق پرونده نبود. همه این دستگیری ها از طریق اطلاعات مردمی بود. حتی بعد که خود طرف اعتراف می کرد که ساواکی بوده است، ما به مرکز اسناد نامه می دادیم که سوابق آن ها را بگیریم، تنها چیزی که به ما می دادند این بود که ایشان در فلان تاریخ استخدام شده، چقدر وام گرفته و چقدر بدهکار است و این که طرف در چه عملیاتی بوده و چه کار کرده را به ما نمی دادند.

از آنجا که خود انجمنی ها ارتباطات زیادی با ساواک داشتند، شاید نمی خواستند پرونده ها منتقل شود.»

<http://www.meisami.com/Cheshm/Cheshm/Cheshm/ch38/13.htm>